



---

# قواعد اصولی فقه البیان

جلسه پنجم

(معرفی چهار دسته از مصالح و مفاسد عام حاکم بر جعل احکام)

---



مدرسه فقهی هدایت

۱۲ بهمن ۱۴۰۲

شهر مبارک قم



اللَّهُمَّ

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا  
اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.



## شناسنامه

متن پیش‌رو پیاده اولیه سخنان حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت) در جلسه پنجم از سلسله جلسات تبیین «قواعد اصولی فقه البیان» (با موضوع معرفی چهار دسته از مصالح و مفسدات عام حاکم بر جعل احکام) می‌باشد که در تاریخ پنجشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۲ در شهر مبارک قم برگزار گردیده است.



# قواعد اصولی فقه البیان / جلسه پنجم

## ادامه بحث تبعیت احکام از مصالح و مفسد

مروری بر جلسات گذشته:  
انتقادات به اصول فقه موجود

امضائی دانستن زبان شارع؛  
اولین انتقاد به اصول فقه موجود

اجمالی بحث کردن از مصالح و  
مفسد حاکم بر احکام؛  
دومین انتقاد به اصول فقه موجود

لزوم تبیین تفصیلی مصالح و مفسد  
احکام

نکته مقدماتی:  
دو اصطلاح "ثبت" و "تصویر" در  
فقه البیان؛  
جایگزین اصطلاح "مصالح و مفسد"

سوال اصلی جلسه:  
مصالح و مفسد عام  
(ثبت عام) حاکم بر  
جعل احکام کدام  
است؟

تعریف

استنباط چهار دسته از  
مصالح و مفسد عام حاکم  
بر جعل احکام  
در مدرسه فقهی هدایت:

تاریخ نگاری و آینده نگری  
صحیح

رفع اختلافات بین مردم و  
پیشگیری از جرم

جلوگیری از فراگیری جهالت و  
شبه علم در جامعه

جلوگیری از فساد عمومی و  
فراگیر در جامعه

ضعف قواعد مُمهّده اصول فقه موجود

بیان و ابلاغ ناقص شریعت  
و عدم جهت‌دهی کامل به اختیارات و  
ضعف در عمل به احکام در مکلفین

ایجاد نگرش کلان به دین  
و افزایش سطح ایمان و اعتقاد مردم به  
کارآمدی اسلام

استنباط و دسته‌بندی مصالح و مفسد  
"عام" احکام و مصالح و مفسد "خاص"  
هر حکم

ثبت ایمان و شریعت در قلب مکلف  
(به واسطه دقت در مصالح و مفسد  
حاکم بر احکام)

شکل‌گیری تمدن‌ها و جریان‌های سیاسی غلط بر  
مبنای تحلیل‌های تاریخی غلط از گذشته و  
آینده‌نگری‌های غلط

«کِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَيْرٌ مَا بَعْدَكُمْ»  
الکافی، ج ۱، ص ۶۱

«کِتَابُ اللَّهِ فِيهِ ... فَضْلٌ مَا بَيْنَكُمْ»  
الکافی، ج ۱، ص ۶۱  
«مَا تَلَا عَتِ الْأُمَّةَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا وَ عِنْدِي  
عِلْمُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» الکافی، ج ۷، ص ۷۸

«تَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَ الْآ فَاتَمَّ أَعْرَابُ»  
المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۷  
«كُلُّ شَيْءٍ مَرَدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَنِ وَ كُلُّ حَدِيثٍ  
لَا يُؤَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرَفٌ»  
الکافی، ج ۱، ص ۶۹ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۳

«لَمْ أَمَرَ الْخَلْقَ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ ... وَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ  
اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ قِيلَ: لِعِلَالٍ كَثِيرَةٍ؛ مِنْهَا: أَنْ مَنْ لَمْ يَغْتَرَّ  
بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يَجْتَنِبْ مَعَاصِيَهُ وَ لَمْ يَنْتَهَ عَنِ  
ازْتِكَابِ الْكِبَايَرِ ... كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ  
أَجْمَعِينَ»  
«وَ وَتُوبُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فَصَبُّوا الْفُرُوجَ وَ  
الْأَمْوَالَ وَ أَبَاحُوا الدِّمَاءَ وَ السُّبِيَّ وَ قَتَلَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا  
مِنْ غَيْرِ حَقٍّ وَ لَا جُزْمَ فَيَكُونُ فِي ذَلِكَ خَرَابُ الدُّنْيَا  
وَ هَلَاكُ الْخَلْقِ وَ فَسَادُ النَّحْوِ وَ النَّسْلِ»  
عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۹  
علا الشراعی، ج ۱، ص ۲۵۲

غصب فروج (بی‌حرمتی به زنان)،  
مباح‌شدن خون افراد (قتل)،  
فساد در حرث (کشاورزی) و نسل؛  
سه مصداق اصلی فساد عمومی و فراگیر در  
جامعه

علت:

نتیجه:

فوائد:

راهکار:

علت:

اهمیت:

دلیل روایی:

دلیل روایی:

دلیل روایی:

دلیل روایی:

خلاصه  
روایت:





## فهرست مطالب:

۱. مروری بر جلسات گذشته: ..... ۱
- ۱/۱. سرفصل اول قواعد اصولی فقه البیان: معرفی انتقادات به علم اصول فقه موجود ..... ۱
- ۱/۱/۱. امضائی دانستن زبان شارع؛ اولین انتقاد به اصول فقه موجود ..... ۱
- ۱/۱/۲. اجمالی بحث کردن از مصالح و مفسد حاکم بر احکام؛ دومین انتقاد به اصول فقه موجود ..... ۱
- ۱/۱/۲/۱. ضعف قواعد مُمَهَّده اصول فقه موجود؛ علت اجمالی بحث کردن از مصالح و مفسد ..... ۲
- ۱/۱/۲/۲. دو مطلب در مورد قواعد مُمَهَّده پیشنهادی فقه البیان در تبیین تفصیلی مصالح و مفسد حاکم بر احکام: ..... ۲
- ۱/۱/۲/۲/۱. توجه به دو دسته از ادله (عام و خاص) مرتبط با مصالح و مفسد حاکم بر احکام ..... ۲
- ۱/۱/۲/۲/۲. عدم توجه و عدم تبیین مصالح و مفسد حاکم بر احکام برای مردم؛ عاملی برای ابلاغ ناقص شریعت و در نتیجه: عدم جهت دهی کامل به اختیارات و در نتیجه: ضعف در عمل به احکام در مکلفین ..... ۳
- ۱/۱/۲/۳. لزوم دسته‌بندی و طبقه‌بندی مصالح و مفسد حاکم بر احکام به وسیله قواعد مُمَهَّده ارتقاء یافته ..... ۳
- ۱/۱/۲/۳/۱. ایجاد نگرش کلان به دین و افزایش سطح ایمان و اعتقاد مردم به کارآمدی اسلام؛ بخشی از فوائد مترتب بر دسته‌بندی و طبقه‌بندی مصالح و مفسد حاکم بر احکام ..... ۳
- ۱/۱/۲/۳/۲. قاعده مُمَهَّده "بیان مبتنی بر رفق"؛ قاعده اصولی فقه البیان برای دسته‌بندی و طبقه‌بندی مصالح و مفسد حاکم بر احکام ..... ۴
- ۱/۱/۳. توجه و به‌کارگیری قواعد مُمَهَّده فقه البیان برای استنباط مصالح و مفسد حاکم بر احکام؛ یکی از راه‌های تبدیل "مباحث اجمالی" اصول فقه موجود در مورد مصالح و مفسد، به "مباحث تفصیلی" ..... ۴
- ۱/۱/۳/۱. استنباط و دسته‌بندی مصالح و مفسد "عمومی" احکام و مصالح و مفسد "خاص" هر حکم؛ راهکار مشخص فقه البیان برای ایجاد علم تفصیلی به مصالح و مفسد حاکم بر احکام ..... ۵
۲. بحث جلسه امروز: مصالح و مفسد عام (ثبت عام) حاکم بر جعل احکام کدام است؟ ..... ۶
- ۲/۱. نکته مقدماتی: "ثبت" (مفاهیم ثبت‌کننده شارع، بخش ثبت شارع) و "تصویر"؛ دو اصطلاح جایگزین اصطلاح "مصالح و مفسد" در فقه البیان ..... ۶
- ۲/۱/۱. ثبت ایمان و شریعت در قلب مکلف (به واسطه دقت در مصالح و مفسد حاکم بر احکام)؛ علت انتخاب اصطلاح "ثبت" بجای اصطلاح "مصالح و مفسد" در فقه البیان ..... ۶
- ۲/۲. استنباط چهار دسته از مصالح و مفسد عام (ثبت عام) حاکم بر جعل احکام در مدرسه فقهی هدایت: ..... ۷
- ۲/۲/۱. تاریخ نگاری صحیح و آینده نگری صحیح؛ اولین مصلحت عام حاکم بر جعل احکام ..... ۷

- ۲/۲/۲. رفع اختلافات بین مردم و پیشگیری از جرم؛ دومین مصلحت عام حاکم بر جعل احکام ..... ۷
- ۲/۲/۳. جلوگیری از فراگیری جهالت و شبه علم در جامعه؛ سومین مصلحت عام حاکم بر جعل احکام ..... ۸
- ۲/۲/۴. جلوگیری از فساد عمومی و فراگیر در جامعه؛ چهارمین مصلحت عام حاکم بر جعل احکام ..... ۹
- ۲/۲/۴/۱. غصب فروج (بی حرمتی به زنان)، مباح شدن خون افراد (قتل)، فساد در حرث (کشاورزی) و نسل؛ سه مصداق اصلی فساد عمومی و فراگیر در جامعه ..... ۹
- ۲/۳. ادله‌ی روایی چهار دسته از مصالح و مفاسد عام حاکم بر جعل احکام: ..... ۱۰
- ۲/۳/۱. «كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ»؛ روایتی در مورد مصلحت عام تاریخ‌نگاری و آینده‌نگری صحیح (اولین ملاک عام جعل احکام) ..... ۱۰
- ۲/۳/۲. «كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ ... فَضْلٌ مَا بَيْنَكُمْ» و «مَا تَنَازَعَتِ الْأُمَّةُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا وَ عِنْدِي عِلْمُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»؛ دو روایت در مورد مصلحت عام پیشگیری از جرم (دومین ملاک عام جعل احکام) ..... ۱۲
- ۲/۳/۳. «تَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ الْآفَاتِمِ أَعْرَابٌ» و «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَ السُّنَنِ وَ كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ»؛ دو روایت در مورد مصلحت عام جلوگیری از فراگیری جهالت و شبه علم در جامعه (سومین ملاک عام جعل احکام) ..... ۱۳
- ۲/۳/۴. «لَمْ أَمَرَ الْخَلْقَ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ ... وَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ قِيلَ: لِعِلَلٍ كَثِيرَةٍ؛ مِنْهَا: أَنْ مَنْ لَمْ يُقَرِّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يَجْتَنِبْ مَعَاصِيَهُ وَ لَمْ يَنْتَهَ عَنِ الزُّكُومِ الْكَبَائِرِ ... كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ»؛ روایتی در مورد جلوگیری از فساد عمومی و فراگیر در جامعه (چهارمین ملاک عام جعل احکام) ..... ۱۶



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاخُنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

خدمت همه برادران و خواهران گرامی، علاقمندان به مباحث فقهی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی سلام عرض می‌کنم.

### ۱. مروری بر جلسات گذشته:

#### ۱/۱. سرفصل اول قواعد اصولی فقه البیان: معرفی انتقادات به علم اصول فقه موجود

##### ۱/۱/۱. امضایی دانستن زبان شارع؛ اولین انتقاد به اصول فقه موجود

بحث ما به پرسش دوم از سرفصل اول دوره جدید مباحثاتی فقه البیان رسیده بود. عرض کردیم در سرفصل اول این دوره مباحثاتی، به صورت اجمالی به معرفی انتقادات به علم اصول فقه موجود می‌پردازیم. یکی از انتقادات این بود که: ادله مربوط به امضایی بودن زبان شارع را علیل دانستیم و معتقد شدیم به این که زبان شارع محترم یک زبان و بیان تأسیسی است.

##### ۱/۱/۲. اجمالی بحث کردن از مصالح و مفاسد حاکم بر احکام؛ دومین انتقاد به اصول فقه موجود

بررسی اشکال دیگری را در جلسه گذشته آغاز کردیم و آن عبارت از این بود که: مباحث مرتبط با مصالح و مفاسد در علم اصول، منجر به ایجاد علم اجمالی نسبت به مسئله مصالح و مفاسد، در طلبه



فقیه و در مردم می‌شود؛ در حالی که ما نیازمند به این هستیم که نسبت به مصالح و مفسد اوامر و نواهی و در مجموع نسبت به کل شریعت، علم تفصیلی پیدا کنیم. یعنی وقتی ادله اصلی شریعت را مورد بررسی قرار می‌دهیم، متوجه می‌شویم که هم در اوامر و نواهی و هم در سایر حوزه‌ها، مجموعه مباحث مرتبط با مصالح و مفسد، یک بحث مستوفی و یک بحث تفصیلی محسوب می‌شود. اما خروجی استنباط‌ها در رساله‌ها و در سایر بحث‌های فقهی، حاوی این مصالح و مفسد نیست. و همان طوری که اشاره کردیم مردم (به تبع فقهت امروز) به نحو اجمالی از مصالح و مفسد مطلع هستند. به همین دلیل اقناع آنها (خصوصاً اقناع نسبت به اوامر و نواهی شریعت) یک اقناع حداقلی است.

#### ۱/۱/۲/۱. ضعف قواعد مُمَهَّدَة اصول فقه موجود؛ علت اجمالی بحث کردن از مصالح و مفسد

عرض کردیم علت اینکه در فقهت و در بیان فقهت و در تبلیغ فقهت، کمتر به مسئله مصالح و مفسد احکام پرداخته می‌شود، ضعف ادله مُمَهَّدَة در این حوزه است. بنابراین ما در فقه البیان تصمیم گرفتیم که یک قدم قواعد مُمَهَّدَة مرتبط با مصالح و مفسد را ارتقا بدهیم. تصمیم گرفتیم یک قدم در این جاده عمیق و طولانی قدم برداریم و مباحث را تکمیل کنیم.

#### ۱/۱/۲/۲. مطالبی در مورد قواعد مُمَهَّدَة پیشنهادی فقه البیان در تبیین تفصیلی مصالح و مفسد حاکم بر احکام:

##### ۱/۱/۲/۲/۱. توجه به دو دسته از ادله (عام و خاص) مرتبط با مصالح و مفسد حاکم بر احکام

عرض کردیم که تکمیل این بحث هم در توجه به نکاتی است که در جلسه گذشته به بعضی از آن نکات اشاره کردیم؛ اولاً: اشاره کردیم به اینکه حداقل دو دسته دلیل بر وجود ملاکات و مناطات احکام (یا به اصطلاح مشهورتر: بحث مصالح و مفسد) وجود دارد: یک دسته از دلائل، دلائل عامی (یا به تعبیر بهتر: علل عمومی شرایع. یا شاید به تعبیر بهتر: مفاهیم ثبت‌کننده عام) بودند که ما را به سمت مصالح و مفسد رهنمون می‌کرد. اما در دسته دوم دلائل، ما با ثبت خاص شریعت و با علل خاص هر یک از اوامر و نواهی مواجه هستیم. بنابراین لازم است که فقیه در مقام استنباط هم علل عمومی و هم علل خاص را استنباط کند و در اختیار مردم قرار دهد؛ تا سطح اقناع نسبت به



علل الشرایع (یا به تعبیر رایج تر در علم اصول: مصالح و مفاسد) ارتقا پیدا کند. این آن نکته اولی بود که در جلسه گذشته به آن اشاره کردیم.

#### ۱/۱/۲/۲/۲. عدم توجه و عدم تبیین مصالح و مفاسد حاکم بر احکام برای مردم؛ عاملی برای ابلاغ ناقص

**شریعت و در نتیجه: عدم جهت‌دهی کامل به اختیارات و در نتیجه: ضعف در عمل به احکام در مکلفین**

نکته دوم این بود که: وقتی اوامر و نواهی در ادله اصلی شارع (یعنی: آیات و روایات)، محفوف به مصالح و مفاسد، بحث شده است؛ بنابراین ابلاغ اوامر و نواهی، بدون ابلاغ مصالح و مفاسد مرتبط با آنها، یک ابلاغ ناقص محسوب می‌شود. و این نوع از ابلاغ به جهت‌دهی کامل به اختیارات ابناء بشر و بنی آدم ختم نمی‌شود. بنابراین باید توجه کنیم که "قبح عقاب بلا بیان"، شامل حوزه مصالح و مفاسد هم می‌شود. آن زمانی ما بیان کامل داریم که این نوع از مصالح و مفاسد را هم به صورت کامل استنباط کنیم و به صورت دسته‌بندی شده در اختیار مردم قرار بدهیم. این هم یک نکته ای بود که به آن اشاره کردیم.

#### ۱/۱/۲/۳. لزوم دسته‌بندی و طبقه‌بندی مصالح و مفاسد حاکم بر احکام به وسیله قواعد ممهده ارتقاء یافته

و اما مهم‌ترین نکته‌ای که خیلی کمک می‌کند به اینکه بحث مصالح و مفاسد در ذهن‌ها ارتقا پیدا کند این است که: ما حتماً باید بعد از اینکه مصالح و مفاسد را استنباط کردیم (حالا چه مصالح و مفاسدی که به نحو عام درباره کل شریعت صحبت می‌کند، و چه مصالح و مفاسدی که به صورت خاص در مورد یک امر و یا یک تعریف شریعت وارد بحث شده است)؛ بعد از اینکه این‌ها را به صورت مجزا استنباط کردیم و برای مردم بیان کردیم، آن مصالح و مفاسد را دسته‌بندی و اصطلاحاً طبقه‌بندی هم کنیم.

خب؛ عرض کردیم که خود آیات و روایات در حوزه‌های مختلف، مصالح و مفاسد را طبقه‌بندی کرده‌اند. که متأسفانه این تقسیمات مرتبط با مصالح و مفاسد در رساله‌های فقهی و در بحث‌های فقهی نیمه استدلالی و استدلالی خیلی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

#### ۱/۱/۲/۳/۱. ایجاد نگرش کلان به دین و افزایش سطح ایمان و اعتقاد مردم به کارآمدی اسلام؛ بخشی از

**فوائد مترتب بر دسته‌بندی و طبقه‌بندی مصالح و مفاسد حاکم بر احکام**

اینکه ما بپرسیم که: شریعت چند نوع مصلحت را (در مقام جعل شریعت، یا در مقام بیان شریعت) در نظر گرفته است؟ یا اینکه این سوال را مطرح کنیم که: شارع محترم، در حوزه نواهی، اجتناب از چند نوع مفسده را ملاک جعل احکام خود قرار داده است؟ این یک سوالی است که واقعاً جای آن



[در اصول فقه موجود] خالی است. دیروز متذکر شدیم که اگر فقیهی بعد از استنباط اولیة مصالح و مفساد، بتواند مصالح شارع محترم و [همچنین] مفسادی را که شارع محترم از آن نهی کرده است را طبقه‌بندی کند؛ نتیجه این طبقه‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌ها این می‌شود که: یک "نگرش کلان به دین" در ذهن‌ها ایجاد می‌شود و سطح اعتقاد و ایمان مردم به کارآمدی این شریعت مهم و این شریعت خاتم، افزایش پیدا می‌کند. این خیلی نکته مهمی است.

### ۱/۱/۲/۳/۲. قاعده مهمه "بیان مبتنی بر رفق"؛ قاعده اصولی فقه البیان برای دسته‌بندی و طبقه‌بندی مصالح و مفساد حاکم بر احکام

شاید اولین بحثی که در حوزه مصالح و مفساد در فقه البیان مطرح شده این است که: در قاعده اصولی "بیان مبتنی بر رفق"، روش‌های ایجاد طبقه‌بندی و روش‌های دسته‌بندی مصالح و مفساد را ان‌شاءالله مورد بحث قرار می‌دهیم. آنقدر قضیه از نظر مدرسه فقهی هدایت مهم است که ذیل یک قاعده‌ای تحت عنوان "بیان مبتنی بر رفق"، روش دسته‌بندی بخش مصالح و مفساد حاکم بر احکام (که از آن حکایت می‌کنیم به بخش تصویر یا بخش ثبت احکام) را تمهید کرده‌ایم و برای دسته‌بندی آنها قاعده مهمه ارائه داده‌ایم.

### ۱/۱/۲/۳/۳. توجه و به‌کارگیری قواعد مهمه فقه البیان برای استنباط مصالح و مفساد حاکم بر احکام؛ یکی

#### از راه‌های تبدیل "مباحث اجمالی" اصول فقه موجود در مورد مصالح و مفساد، به "مباحث تفصیلی"

خب؛ عرض کردیم که این نوع از بحث‌ها کمک می‌کند به اینکه بحث از مصالح و مفساد در کتاب‌های اصولی رشد کند. رشد آن به چیست؟ رشد آن به این است که طلبه هم در مقام استنباط و هم در مقام بیان قدرت پیدا می‌کند که علم اجمالی نسبت به مصالح و مفساد را به علم تفصیلی نسبت به مصالح و مفساد تبدیل کند. و با اندکی توجه واضح می‌شود که پیدایش علم تفصیلی نسبت به مصالح و مفساد، سطح اقناع و سطح تحریک فکر بیشتری را در مخاطب مکلف (در مقایسه با وضعیت فعلی که فقط به صورت اجمالی داریم مصالح و مفساد حاکم بر احکام را بحث می‌کنیم)، نسبت به احکام ایجاد می‌کند.

بنده کلمات فقهای بسیاری را تتبع کرده‌ام و در آنها دقت کرده‌ام؛ همه بحث [مصالح و مفساد] را در فضای اجمالی تئوریزه کرده‌اند. یک بخش عمده‌ای از مباحث [حول مصالح و مفساد] اختصاص دارد به اینکه: با قول ضعیف و معیوب اشاعره در نفی تبعیت احکام از مصالح و مفساد وارد بحث



شده‌اند. و یک بخش عمده دیگری از بحث‌ها هم کارکردهای تبعیت احکام از مصالح و مفسد را در حوزه اجتماع امر و نهی، در حل مسئله ضدّ، در بحث تراحم و در بعضی از حوزه‌های دیگر بحث کرده‌اند. اما شما در کتاب کفایة الاصول و کتاب رسائل، کمتر قاعده ممهده‌ای را پیدا می‌کنید که به طلبه راهنمایی کنند که: چگونه و به چه شکل [می‌تواند] مصالح و مفسد را از حالت اجمالی به حالت تفصیلی تبدیل کند؟

**۱/۱/۲/۳/۳/۱. استنباط و دسته‌بندی مصالح و مفسد "عمومی" احکام و مصالح و مفسد "خاص" هر حکم؛**

**راهکار مشخص فقه الیّان برای ایجاد علم تفصیلی به مصالح و مفسد حاکم بر احکام**

حالت تفصیلی نسبت به مصالح و مفسد هم به طور مشخص به این معنی است که: هم مصالح و مفسد و علل عمومی کل شرایع را، و هم مصالح و مفسد مختص به هر شریعت و حکم را استنباط و دسته‌بندی کند. قواعد ممهده مربوط به این حوزه، در بحث‌های اصولی ما؛ یا وجود ندارد و یا اینکه خیلی کم رنگ به آن‌ها اشاره شده است. بنابراین این انتقاد هم به علم اصول فقه موجود وارد است.

خب؛ اینکه چگونه می‌توان مصالح و مفسد احکام را طبقه‌بندی کرد، را موکول می‌کنیم به وقتی که قاعده اصولی بیان مبتنی بر رفق را بحث کنیم.





## ۲. بحث جلسه امروز: مصالح و مفسدِ عام (ثبت عام) حاکم بر جعل احکام

### کدام است؟

اما من در جلسه امروز برای اینکه بحث واضح‌تر شود؛ یک مجموعه‌ای روایت را خدمت شما قرائت می‌کنم که در این روایات، در واقع بخشی از علل عمومی شرایع و مصالح و مفسد مرتبط با کل شریعت بحث شده است و در واقع کمک می‌کند به اینکه این ادعای اصولی فقه البیان مبنی بر ارتقای قواعد ممهده مرتبط باب استنباط و بیان مصالح و مفسد، قدری واضح‌تر شود. توجه کنید که اولاً: ما در این کار فقهی‌ای که انجام داده‌ایم؛ فعلاً چهار دسته از مصالح و مفسدِ عمومی (یعنی: اصطلاحاً علت‌های عام شریعت یا مفاهیم ثبت‌کننده عام شریعت، یا به اصطلاح آشنا تر برای طلبه‌های مدرسه هدایت: تصویرهای عمومی کل شریعت) را بحث کرده‌ایم. البته من در این جلسه حتی این موارد را نمی‌خواهم طبقه‌بندی کنم؛ بلکه به صورت خطی اینها را بیان می‌کنم ولی با این حال کمک می‌کند که منظور ما از این معنا واضح‌تر شود.

### ۲/۱. نکته مقدماتی: "ثبت" (مفاهیم ثبت‌کننده شارع، بخش ثبت شارع) و "تصویر"؛

#### دو اصطلاح جایگزین اصطلاح "مصالح و مفسد" در فقه البیان

ببینید؛ این چهار حوزه‌ای که من عرض می‌کنم و در ادامه روایات آن را خواهم خواند؛ چهار نوع "ثبت عام" برای شریعت است. قبل از اینکه [ثبت عام را] توضیح بدهم؛ این مسئله را هم داخل پراتز شرح بدهم که: ما در فقه البیان، عمدتاً از لفظ "ثبت" برای بیان روایات و آیات مرتبط با مصالح و مفسد استفاده می‌کنیم. با اینکه خود لفظ مصالح و مفسد یک لفظی است که در شریعت تکرار شده است و لفظ درستی هم است؛ اما ما معمولاً در بحث‌های اصولی خودمان، از اصطلاح "ثبت" برای مفاهیم مرتبط با مصالح و مفسد استفاده می‌کنیم.

### ۲/۱/۱. ثبت ایمان و شریعت در قلب مکلف (به واسطه دقت در مصالح و مفسد حاکم بر احکام)؛ علت

#### انتخاب اصطلاح "ثبت" بجای اصطلاح "مصالح و مفسد" در فقه البیان

این اصطلاح "مفاهیم ثبت‌کننده" یا "بخش ثبت کلام شارع" به این دلیل انتخاب شده است که: بیان مصالح و مفسد به ثبت ایمان و شریعت در قلب مکلف کمک می‌کند. در واقع؛ اگر خداوند متعال، دعای کسی را مبنی بر اینکه «اللهم ثبت قلبی علی دینک» را مستجاب کند؛ یکی از "مناسک ثبت



دین در قلب" این است که: انسان در مفاهیم و تعاریف حوزه مصالح و مفسد حاکم بر شرایع دقت کند. پس به این دلیل که مصالح و مفسد کمک می‌کنند تا دین در قلب مخاطب یا در قلب شخص فقیه، ثبت و تثبیت بیشتری پیدا کند؛ ما در نظام اصطلاحات فقه البیان، از کلمه "ثبت" استفاده کرده‌ایم. البته وقتی خواستیم این کلمه را به فارسی ترجمه کنیم، [آن را] به کلمه "تصویر" ترجمه کرده‌ایم و از این دو اصطلاح بهره بردیم.

خب؛ با توجه به این توضیحات؛ من چهار مورد از ثبت عمومی را محضر شما بحث می‌کنم و سپس روایات آن را می‌خوانم که شارع این چهار موضوع را به عنوان مصالح عمومی مطرح کرده است.

## ۲/۲. استنباط چهار دسته از مصالح و مفسد عام (ثبت عام) حاکم بر جعل احکام در

### مدرسه فقهی هدایت:

#### ۲/۲/۱. تاریخ نگاری و آینده نگری صحیح؛ اولین مصلحت عام حاکم بر جعل احکام

اولین مفهوم عبارت از این است که: اگر کسی به ادبیات و بیان شارع رجوع کند، تاریخ‌نگاری و آینده‌نگری صحیح در ذهن او شکل می‌گیرد. یعنی: شریعت محترم به نحو عام این خاصیت و فایده را دارد که مانع از شکل‌گیری ایده‌های تاریخی غلط در ذهن مخاطب می‌شود. می‌دانید که بسیاری از حرکت‌های اجتماعی، ناشی از پیدایش ایده‌های تاریخی غلط در ذهن مردم است. مثلاً اینکه ما "تکامل تاریخ" را به "تکامل ابزار" بدانیم، این یک ایده تاریخی غلط است که بعضی از جریان‌های علمی-سیاسی پوزیتیویستی، سال‌ها در دنیا مردم را به دنبال این ایده غلط کشاندند و زندگی آنها را به سمت فساد مدیریت کردند. تقریباً همه تمدن‌های باطل و همه جریان‌های سیاسی غلط، بر مبنای تحلیل‌های تاریخی غلط از گذشته و آینده‌نگری‌های غلط شکل گرفته‌اند. بنابراین یکی از خاصیت‌هایی که "شریعت خاتم" دارد این است که مانع شکل‌گیری یک فلسفه تاریخ غلط در ذهن‌ها می‌شود که من روایت آن را در ادامه اشاره خواهم کرد.

۲/۲/۱/۱. شکل‌گیری تمدن‌ها و جریان‌های سیاسی غلط بر مبنای تحلیل‌های تاریخی غلط از گذشته و آینده‌نگری‌های غلط؛ علت اهمیت و ورود شریعت خاتم به این بحث

#### ۲/۲/۲. رفع اختلافات بین مردم و پیشگیری از جرم؛ دومین مصلحت عام حاکم بر جعل احکام

دومین مصلحت عمومی که بر شریعت حاکم است، رفع اختلافات بین مردم است. بعضی از روایات ما را راهنمایی کردند که اگر شما متمسک به "شریعت" بشوید و به آن توجه جدی کنید، فایده‌ای به



اسم پیشگیری از جرم و پیگیری از هزینه‌های دادرسی برای شما به ارمغان می‌آید. این هم یک ثبوت و فایده بسیار مهم است. تقریباً همه حکومت‌ها و همه نخبگان، این مصلحت و این فایده را یک فایده و مصلحت بسیار مهم برای جوامع تلقی می‌کنند. وقتی شما ساختار حکومت‌ها را بررسی می‌کنید، می‌بینید که یکی از مشکلات حکومت‌ها این است که نمی‌توانند اختلافات بین مردم را مدیریت کنند و دائماً دادگستری‌های آنها پُر است از پرونده‌هایی که مردم بر علیه یکدیگر تشکیل داده‌اند. بنابراین این هم یک ثبوت بسیار مهمی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دائماً این نکته را متذکر می‌شدند که رجوع به شریعتِ او، منجر به رفع اختلافات بین مردم می‌شود که حالا روایت آن را محضر شما قرائت خواهیم کرد.

### ۲/۲/۳. جلوگیری از فراگیری جهالت و شبه علم در جامعه؛ سومین مصلحت عام حاکم بر جعل احکام

سومین فایده‌ای که در حوزه مفاهیم ثبوت‌کننده عام و در حوزه علل عمومی شرایع مطرح است جلوگیری از فرآیند شکل‌گیری "جهالت" و "شبه علم" در جامعه است. در روایات متعددی حضرات معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) که عقول اول عالم هستند به این نکته تذکر داده‌اند که: رجوع به شریعت، منجر به این می‌شود که "شبه علم" و "جهالت" در بین افراد فراگیر نشود. استحضار دارید که یکی از مشکلات همه جوامع، مقابله با تحلیل‌های غلط و اصطلاحاً به اصطلاح امروزی مواجهه با شبه علم است. خب؛ پیامبر می‌فرمایند: شریعت من می‌تواند این مشکل مهم و فراگیر را حل و فصل کند. یعنی: اگر کسی به شریعت پیامبر خاتم رجوع کند، این رجوع او باعث می‌شود که از تحلیل‌های شبه علمی (یا به اصطلاح رایج دینی: از جهالت) رهایی و ایمنی پیدا کند. این هم یک فایده بسیار مهم است.

خصوصاً الان که در عصر شبکه‌های اجتماعی قرار داریم، نشر تحلیل‌های شبه علمی در قالب کلیپ‌ها، عکس‌نوشته‌ها، موشن‌گرافی‌ها و... رواج فراوانی دارد. وقتی ما اسناد بین‌المللی و خصوصاً سند ضاله پوزیتیویستی توسعه پایدار ۲۰۳۰ را مطالعه می‌کنیم، مجموعه‌ای از شبه علم‌ها را در حوزه سلامت و غیر از سلامت مشاهده می‌کنیم. بنابراین اولویت تأمین چنین مصلحت مهمی در عصر ما، شاید از سایر عصرها و سایر مصرها بیشتر باشد. در این باره باید ان شاء الله بحث کنیم.



#### ۲/۲/۴. جلوگیری از فساد عمومی و فراگیر در جامعه؛ چهارمین مصلحت عام حاکم بر جعل احکام

چهارمین خاصیت عمومی شریعت و اصطلاحاً علل عمومی شرایع که در آیات و روایات بحث شده است، جلوگیری از فساد فراگیر است. تصریح شده است که اگر به شریعت و دین رجوع نشود، زندگی همه مردم دچار فساد می‌شود. من در روایات دیدم که مراد از فساد عمومی سه چیز است: (۱) غصب فروج و بی‌حرمتی به زنان. (۲) مباح‌شدن خون افراد و قتل. و (۳) فساد در حرث و نسل (یعنی: فساد در حوزه کشاورزی و فساد در نسل). این سه مورد را به عنوان مصداق فساد عمومی در آیات و روایات بحث کرده‌اند. بنابراین اگر کسی می‌خواهد که فساد در یک جامعه عمومی نشود، باید به دین و آیات و روایات و علم کامل رجوع کند.

۲/۲/۴/۱. غصب فروج  
(بی‌حرمتی به زنان)،  
مباح شدن خون افراد  
(قتل)، فساد در حرث  
(کشاورزی) و نسل؛ سه  
مصداق اصلی فساد  
عمومی و فراگیر در  
جامعه

خب؛ این چهار ثبت و چهار دسته از مصالح و مفسدات عمومی، در آیات و روایات، به عنوان ملاک جعل احکام مطرح شده است. و در یک معنا: به عنوان ملاک جعل کل شریعت (اعم از اوامر و نواهی و تعاریف) مطرح شده است.

حالا من روایات این چهار مورد [از فواید عمومی شریعت] را برای شما مطرح می‌کنم تا بحث یک مقداری واضح‌تر شود.



## ۲/۳. ادله روایی چهار دسته از مصالح و مفساد عام حاکم بر جعل احکام:

۲/۳/۱. «کِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ»؛ روایتی در مورد مصلحت عام تاریخ‌نگاری و

آینده‌نگری صحیح (اولین ملاک عام جعل احکام)

اولین دسته از روایات مربوط به تاریخ‌نگاری و آینده‌نگری به شکل صحیح است. من به عنوان نمونه یک روایت را از جلد اول کتاب مهم کافی محضر شما نقل می‌کنم که جناب جابر بن یزید جعفی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «قَالَ: كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ وَ فَضْلُ مَا بَيْنَكُمْ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ».<sup>۱</sup> اینجا جناب جابر بن یزید جعفی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که ایشان فرمودند: کتاب خدا یک گزارشی از گذشته تاریخ ارائه داده است. گزارش صحیحی هم ارائه داده که شما می‌توانید این گزارش صحیح را استنباط کنید و از آن استفاده کنید.

خب؛ حالا اینکه اصول روایت تاریخ در کتاب خدا چگونه است؟ را این شاء الله در بحث‌های فقهی در آینده مطرح خواهیم کرد. مثلاً: یکی از محورهای روایت گذشته در کتاب خدا این است که: خداوند متعال، گذشته را به محوریت اقوام، روایت کرده است و برای قوم هم تعریف خاصی ارائه داده است؛ مثلاً در تعریف کتاب خدا از مفهوم "قوم"، مفاهیمی اخذ شده است؛ مثل اینکه: کتاب خدا قوم را با پیامبری که حجت را بر آن قوم تمام کرده است، شناسایی می‌کند و در مورد آن بحث می‌کند و البته معیارهای دیگر [هم برای تعریف و معرف مفهوم قوم در کتاب خدا وجود دارد].  
عرض کردم در مورد تاریخ‌نگاری از نظر فقه و از نظر آیات و روایات بعداً بفضل تبارک و تعالی به شرط توفیق بحث خواهیم کرد.

اینجا اجمالاً این بحث مطرح است که به هر حال وقتی شما به یاد دین افتادید، توجه کنید که یکی از کارکردهای دین این است که: یک گزارش صحیحی از تاریخ در اختیار شما قرار می‌دهد. این بسیار مسئله مهمی است که انسان یک گزارش صحیحی از گذشته داشته باشد.

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ وَ فَضْلُ مَا بَيْنَكُمْ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ.

الكافي، ج ۱، ص ۶۱ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۹۶

وَ قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: وَ فِي الْقُرْآنِ نَبَأُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ وَ حُكْمُ مَا بَيْنَكُمْ.

نهج البلاغة، ص ۵۳۰ (حکمت ۳۱۳)



الآن در ذهن همه ما گزارش‌های غلطی از تاریخ وجود دارد؛ [مثلاً] من همیشه عرض کرده‌ام که گزارش تاریخ ایران به محوریت سلسله هخامنشی پُر از جعل است. در مورد گزارش تاریخ جهان هم همین معنا قابل رویت و مشاهده است. که حالا ما در بعضی از گزارش‌ها، جعل‌های مرتبط با تاریخ هخامنشی را بحث کرده‌ایم.

این مهم است که انسان وقتی گذشته تاریخ را مطالعه می‌کند، به یک گزارش صحیحی دست پیدا کند. امام صادق علیه‌السلام در این روایت فرمودند که: یکی از کارکردهای کتاب خدا و شریعت این است که این گزارش صحیح از گذشته را در اختیار شما قرار می‌دهد.

همچنین وجود مبارک امام صادق علیه‌السلام فرمودند که: «و خَبِّرْ مَا بَعْدَكُمْ» [یعنی: از آینده تاریخ هم در کتاب خدا، گزارش‌های صحیحی مطرح شده است. اینکه مثلاً در کتاب‌های مرتبط با سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ بگویند: «آینده یعنی: دستیابی به توسعه پایدار»؛ این یک آینده‌نگری غلط و یک آینده‌نگری بسیار ناقص محسوب می‌شود. اینکه آینده پیشرفتِ خودمان را با چه مفاهیمی ارزیابی کنیم؟ این در کتاب خدا بحث شده است. اصطلاحاً به اصطلاح فارسی و به اصطلاح ساده‌تر: کتاب خداوند افق‌نمایی ذهن ما و شما را هم ارتقاء می‌دهد، کمک می‌کند که ما به افق‌های واقعی توجه کنیم و یک آینده‌نگری صحیحی در ذهنمان شکل بگیرد.

تقریباً همه آیات و روایات مربوط به آخرالزمان همه در واقع «خبر ما بعدکم» هستند؛ یعنی: آینده را به ما نشان داده‌اند. در ادبیات وحی آینده ایران برای ما روایت شده است، آینده عراق، آینده شامات، آینده یمن و آینده حجاز [هم روایت شده‌اند]. این پنج منطقه‌ای که ما نام بردیم؛ اصطلاحاً ژئوپلیتیک آینده جهان را به اصطلاح فرنگی‌ها تشکیل خواهند داد و اتفاقات این پنج منطقه آینده جهان را خواهد ساخت.

حتی در آیات و روایات در مورد آینده شهرهای مهم بحث شده است؛ مثلاً: یک مجموعه‌ای از آیات و روایات داریم که آینده شهر کوفه به چه شکل است؟ آینده شهر قم به چه شکل است؟ آینده شهر مکه به چه شکل است؟ آینده شهر بیت المقدس به چه شکل است؟



الان سازمان ملل و آمریکا و مردمان نافهم اسرائیل، یک آینده‌ای را برای منطقه بیت المقدس و بیت اللحم و شهر مهم الخلیل و... در نظر گرفته‌اند؛ در حالی که خداوند متعال از آینده این شهرها، خبرهای قطعی به ما داده است. روزی در بیت المقدس، وجود مقدس حضرت مسیح، موذن حضرت ولیعصر خواهد شد و به حضرت ولیعصر اقتدا خواهد کرد! و با این کارشان میخ آخر را بر تابوت تمدن مدرنیته خواهد زد! و اذان حضرت مسیح همه مردم را (در کشورهایی که مردمانشان مسیحی هستند) به سمت حضرت ولیعصر سوق خواهد داد. بنابراین یادمان باشد وقتی کتاب خدا را یاد می‌کنیم، بدانیم که در کتاب خدا، آینده‌نگری صحیح هم بحث شده است.

روایت [در ادامه] می‌فرمایند: «و فصل ما بینکم» در کتاب خدا شیوه رفع اختلاف بین شما هم بحث می‌شود؛ که این مطلب را در ادامه، توضیح بیشتری خواهم داد.

یک عبارت مهمی در این روایت وجود دارد که می‌فرمایند: «و نَحْنُ نَعْلَمُهُ» امام صادق علیه‌السلام تاکید می‌کند که به وسیله روایات، این مباحث کتاب خدا شرح داده شده است. این عبارت «و نَحْنُ نَعْلَمُهُ» خیلی پرمعنا است! یعنی: به تفسیرهای دیگران از کتاب خدا اعتماد نکنید؛ [بلکه] برای تفسیر کتاب خدا به روایات و تفسیر اهل بیت رجوع کنید. پس این یک ثبت است و ثبت مهمی است و کمک می‌کند که درک ما از کتاب خدا ارتقا پیدا کند.

**۲/۳/۲. «کِتَابُ اللَّهِ فِيهِ ... فَصْلٌ مَا بَيْنَكُمْ» و «مَا تَنَازَعَتِ الْأُمَّةُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا وَ عِنْدِي عِلْمُهُ**

**مِنْ كِتَابِ اللَّهِ؛ دو روایت در مورد مصلحت عام پیشگیری از جرم (دومین ملاک عام جعل احکام)**

مطلب دیگری که به عنوان علل عمومی شرایع (و اصطلاحاً مفاهیم ثبت‌کننده عام در آیات و روایات) مطرح شده این است که: به ما گفته‌اند: اگر به کتاب خدا رجوع کنید، اختلافات بین مردم بیشتر حل و فصل می‌شود و اصطلاح پیشگیری از جرم ایجاد می‌شود که حالا فقره‌ای از روایت قبل همین معنا را تاکید می‌کرد؛ عبارت «و فصل ما بینکم» به این معنا بود که شریعت رفع اختلاف می‌کند.

یک روایت دیگری که در بعضی از کتب نقل شده را برای شما قرائت می‌کنم: جناب یونس بن یعقوب از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که امام صادق فرمودند: که حضرت علی علیه‌السلام فرمودند:



«وَلَا تَنَازَعَتِ الْأُمَّةُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا وَ عِنْدِي عِلْمُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ»؛<sup>۲</sup> این روایت هم به یک نوعی بر رفع اختلافات میان مردم دلالت دارد. می‌دانید اختلافات میان مردم، در حوزه‌های مختلفی مطرح است؛ [مثلاً] یک حوزه آن این است که مردم و امت در مورد شیئی از امرالله نزاع نمی‌کنند [مگر اینکه راه حل آن نزد اهل بیت: است]. الان در مورد امرالله و مسائلی که مربوط به خدا است اختلافاتی وجود دارد (یعنی: اصطلاحاً **اختلاف اعتقادی** وجود دارد)؛ که خود این [اختلافات اعتقادی]، در مرتبه بعد، منشأ پیدایش بسیاری از اختلافات خواهد شد. حضرت می‌فرمایند که رفع اختلاف بین مردم را باید در واقع از اختلافات درباره امرالله حل و فصل کنید و می‌فرمایند که «عِنْدِي عِلْمُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» علم حل اختلافات این حوزه هم از کتاب خدا پیش ما است.

پس امیرالمومنین علیه‌السلام، در واقع در این روایت ریشه نزاع‌ها را بحث کرده‌اند و راه حل رسیدگی به آن نزاع‌ها را هم بررسی نموده‌اند. این هم یک **ثبت عمومی** است.

خب؛ وقتی یک جوانی از ما و شما می‌پرسد که: دین چه فایده‌ای دارد؟ ما با اتکای به این روایت می‌توانیم بگوییم: رجوع به دین، یعنی: پیشگیری از جرم، یعنی رفع اختلافات بین مردم. البته دین برای حل اختلافات مردم یک مسیر خاصی دارد که ما اینها را عمدتاً در **فقه‌العبره** بحث کرده‌ایم و ان‌شاءالله در آینده به نحو تفصیلی‌تر در مورد این حوزه بحث خواهیم داشت.

**۲/۳/۳. «تَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْأَفْئِمَةِ أَعْرَابٌ» و «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَنِ وَ كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُؤْفِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ»؛ دو روایت در مورد مصلحت عام جلوگیری از فراگیری جهالت و شبه علم در جامعه (سومین ملاک عام جعل احکام)**

سومین حوزه‌ای که عرض کردیم شارع محترم ورود پیدا کرده است و راجع به **علل عمومی شرایع** بحث کرده است، جلوگیری از فراگیری جهالت و شبه علم در جامعه است. که به روایات آن اشاره می‌کنم: در کتاب شریف محاسن جلد اول، یک روایتی با سند صحیح از جناب محمد بن مسلم نقل شده است که ایشان از امام ابی جعفر علیه‌السلام نقل کرده‌اند. جناب محمد بن مسلم (که فرد جلیل القدری در بین رؤات و محدثین شیعه، محسوب می‌شود)؛ از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده‌اند که

۲. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ... وَلَا تَنَازَعَتِ الْأُمَّةُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا وَ عِنْدَنَا عِلْمُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ...





ایشان فرمودند: «تَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْأَفْئِئِمَّةِ أَعْرَابٌ»<sup>۳</sup> امام باقر فرمودند: «وقت بگذارید و در مسئله حلال و حرام تفقه کنید؛ اگر این کار را انجام ندادید شما جاهل محسوب می‌شوید.» این خیلی بحث مهمی است! حضرت می‌فرمایند: اگر خواستید بدانید که جاهل هستید یا نیستید، ببینید که تفقه در حلال و حرام دارید یا نه. اگر کسی وقت بگذارد و دقت کند در حلال‌ها و حرام‌های الهی، مجموعه‌ای از علوم صحیح در اختیارش قرار می‌گیرد. چون می‌دانید حلال و حرام‌ها، [در آیات و روایات،] محفوف به علل الشرایع بحث شده‌اند و بر اساس یک نظام تعریفی خاصی از عالم جعل شده‌اند. بنابراین مطالعه فقهی و عمیق در حلال و حرام (نه مطالعه به نحو اخباری) کمک می‌کند که انسان از حوزه جهالت خارج شود.

پس ببینید در اینجا به صورت اخص حضرت می‌فرمایند که تفقه در حلال و حرام باعث می‌شود که آدم از وصف "جهل" فاصله بگیرد. پس این هم یک بحث مهمی است.

در همین حوزه در کتاب کافی جلد اول جناب ایوب بن حُرّ روایتی را نقل کردند که ایشان فرمودند: «قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام» ایشان می‌گویند من شنیدم که امام صادق اینطور فرمودند: «يقول: كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ»<sup>۴</sup> این هم یک روایت روشی بسیار مهمی است، حضرت در واقع دارند می‌فرمایند که: همه چیز را به سمت کتاب و سنت رد کنید. «کل شیء مردود» یعنی همه چیز را به کتاب و سنت عرضه کنید.

برای چه باید همه چیز را به کتاب و سنت عرضه کرد؟ خب؛ شما یک تحلیلی پیدا کرده‌اید و مثلاً رفته‌اید بر اساس روش تحقیق پوزیتیویستی، یک تحقیق نخبگانی انجام داده‌اید، [ولی] حضرت می‌فرمایند: «[تحقیقات پوزیتیویستی] کفایت نمی‌کند!» اما ما می‌گوییم: «چون اهل تحقیق بوده‌ایم و

۳. عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ زَرِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: تَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْأَفْئِئِمَّةِ أَعْرَابٌ.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۷

۴. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرُفٌ.

الكافي، ج ۱، ص ۶۹ / المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۱



بررسی کرده‌ایم و مثلاً ۱۰ جلد کتاب خوانده‌ایم؛ خیالمان راحت است که به علم صحیح دست پیدا کرده‌ایم!» حضرت می‌فرماید: «نه؛ این توهم را در ذهن خودتان از بین ببرید؛ همه چیز باید به کتاب و سنت عرضه شود.» چرا باید همه چیز به کتاب و سنت عرضه شود؟ حضرت دلیل آن را در فقره دوم این روایت مهم می‌فرماید: «و کُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زَخْرَفٌ» می‌فرماید: «هر حدیثی، هر قولی، هر گزارشی که شما از عالم تهیه کردید در همه حوزه‌ها؛<sup>۵</sup> اگر موافق کتاب خدا نباشد، بدانید که آن حتماً «زخرف» است!» زخرف یعنی: امری که زینت داده شده است، یعنی: با یک مفاهیمی زینت داده شده است و زیبا به نظر می‌رسد. مثلاً این عبارت: «دانشمندان گفته‌اند: فلان ویروس در عالم سریع انتشار پیدا می‌کند.» این یک عبارتی است که رسانه‌ها آن را زینت می‌دهند؛ مثلاً می‌گویند: «سازمان بهداشت جهانی گفته است مثلاً چنین است!» خب؛ با الصاق کلمه "سازمان بهداشت جهانی"، یک گزارش غلط را برای مردم زینت می‌دهند! ممکن است یک استماع‌کننده عادی، فکر کند چون این عبارت به نقل از "سازمان بهداشت جهانی" است، یا به نقل از سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است؛ [پس] حتماً یک حرف درستی است؛ در حالی که این حدیث ما را راهنمایی می‌کند که: «هر تحلیل و هر حدیثی<sup>۶</sup> که لا یوافق کتاب الله؛ فهو زخرف.» می‌فرماید: باید حتماً موافقت یک مسئله را با کتاب خدا احراز کنید؛ نه اینکه مثلاً بروید و فقط عدم مخالفت یک قانون یا یک گزارش را با کتاب خدا احراز کنید؛ کما اینکه الان این بحث در جامعه ما مبنای عمل است.

ممکن است کسی بگوید: اینجا که در این عبارت «کل حدیث لا یوافق کتاب الله فهو زخرف»؛ این [لفظ] «حدیث» یعنی همان «حدیث مصطلح». و امام دارند یک معیاری می‌دهند برای اینکه ما «حدیث جعلی» را از «حدیث غیر جعلی» تشخیص دهیم، بله؛ [این عبارت امام] شامل این حوزه هم می‌شود؛ ولی این روایت محدود به بررسی اصالت احادیث (حدیث به معنای مصطلح) نیست. بلکه به سیاق عبارت قبلش که می‌فرماید: «کل شیء مردود الی الكتاب و السنه»؛ شامل همه حوزه‌های

۵. چون حدیث فرمودند «کل شیء». نفرمودند فقط در بعضی از حوزه‌ها.

انتقال از متن

۶. [مراد از] حدیث در اینجا به معنای عام آن [است]؛ یعنی هر گزارشی.

انتقال از متن



دیگر هم می‌شود؛ چون لفظ «کل شیء» لفظ عامی است و در واقع در همه حوزه‌ها ما باید این کار را انجام بدهیم.

البته اینکه ما باید در همه حوزه‌ها به کتاب و سنت رجوع کنیم؛ یک امر قطعی است و احادیث دیگری [هم] در این حوزه وجود دارد. ما قبلاً برخی از آن روایات را در درس‌ها مطرح کرده‌ایم. مثل آن حدیث: «ما من شیء الا و فیه کتاب او سنه» آنجا از لفظ "شیء" استفاده می‌کند؛ حضرت می‌فرماید: هیچ شیئی نیست مگر اینکه کتاب و سنت در مورد آن اظهار نظر کرده است.

ما در بحث روش تحقیق فقهی، تفاوت‌های اظهارنظرِ شارع در مورد همه اشیاء عالم را با سایر اظهار نظرها در دستگاه‌های دانشی دیگر تبیین کرده‌ایم. پس شما این تفاوت اظهارنظرِ شارع با مثلاً اظهارنظرهای پوزیتیویستی را از مطالعه آن بحث‌ها به دست بیاورید. بنده دیگر [آن مباحث و تفاوت‌ها را] در اینجا تکرار نمی‌کنم،

پس این دو حدیث خاصیت‌های شریعت را مطرح می‌کنند؛ یکی اینکه می‌فرمایند؛ شریعت باعث می‌شود و جلوگیری می‌کند از اینکه شما جزو طایفه جُہال طبقه‌بندی نشوید. اگر کسی تفقه در حلال و حرام انجام داد، باعث می‌شود که جهالت و شبه علم در وجود او تثبیت نشود. در روایت دوم هم که از کتاب کافی نقل کردیم باز همین معنا مورد تاکید امام علیه‌السلام قرار گرفته است. پس تا به اینجا سه ملاک از ملاکات عام جعل شریعت به معنای عام [بحث شد].

**۲/۳/۴. «لِمَ أَمَرَ الْخَلْقَ بِالْإِفْرَارِ بِاللَّهِ ... وَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ قِيلَ: لِعِلَلٍ كَثِيرَةٍ؛ مِنْهَا: أَنْ مَنْ لَمْ يُقِرَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يَحْتَنِبْ مَعَاصِيَهُ وَ لَمْ يَنْتَهَ عَنِ ارْتِكَابِ الْكَبَائِرِ ... كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ»؛ روایتی در مورد جلوگیری از فساد عمومی و فراگیر در جامعه (چهارمین ملاک عام جعل احکام)**

روایت چهارمی را که محضر شما تلاوت می‌کنم و به عرائض خودم خاتمه می‌دهم، روایتی است که از کتاب عیون اخبار الرضا نقل کرده‌اند. در واقع این روایت، بخشی از روایت معروف جناب فضل بن شاذان است که در کتب روایی به «روایت علل» موسوم است. در بخشی از این روایت، این طور آمده است که: امام رضا علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام این طور فرمودند: «فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَمَا أَوْلُ



الْفَرَائِضِ؟ قِيلَ لَهُ: الْإِقْرَارُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَحُجَّتِهِ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» یعنی: اگر کسی این سوال را مطرح کرد که: اولین فرائض الهی و مهمترین فرائض الهی چیست؟ باید به او گفته شود که: «اقرار بالله...» اقرار به خدا و به رسول او و به حجتی که خداوند قرار داده و به آنچه که از طرف خدا آمده است «و بما جاء من عندالله». این، اول فرائض است. [این] فریضه مهم از نوع اقرار است. بعد فرمودند: «فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ لِمَ أُمِرَ الْخَلْقُ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِحُجَّتِهِ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قِيلَ لِعَلِّ كَثِيرَةٍ مِنْهَا أَنْ مَنْ لَمْ يُقِرَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يَجْتَنِبْ مَعَاصِيَهُ وَ لَمْ يَتَّه عَنِ ارْتِكَابِ الْكِبَائِرِ وَ لَمْ يُرَاقِبْ أَحَدًا فِيمَا يَشْتَهِي وَ يَسْتَلِدُّ عَنِ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ إِذَا فَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ وَ ارْتَكَبَ كُلُّ إِنْسَانٍ مَا يَشْتَهِي وَ يَهْوَاهُ مِنْ غَيْرِ مُرَاقَبَةٍ لِأَحَدٍ كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ»<sup>۷</sup> بنده این روایت را توضیح تفصیلی و توضیح لفظ به لفظ نمی‌دهم. حضرت توضیح می‌دهند: اگر کسی از شما پرسید که: چرا فریضه اول اقرار به این است که فرد، خدا و رسول و

۷. باب العلل التي ذكر الفضل بن شاذان في آخرها أنه سمعها من الرضا علي بن موسى ع مرة بعده مرة و شينا بعد شيء فجمعها و أطلق لعلي بن محمد بن قتيبة النيسابوري روايتها عنه عن الرضا ع: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ النَّيْسَابُورِيِّ الْعَطَّارُ بِنَيْسَابُورٍ فِي سَعْبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيُّ وَ حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ نُعَيْمٍ بْنِ شَاذَانَ عَنْ عَمِّهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ شَاذَانَ قَالَ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ: ... فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَمَا أَوْلُ الْفَرَائِضِ قِيلَ لَهُ الْإِقْرَارُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَحُجَّتِهِ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ لِمَ أُمِرَ الْخَلْقُ بِالْإِقْرَارِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِحُجَّتِهِ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قِيلَ لِعَلِّ كَثِيرَةٍ مِنْهَا أَنْ مَنْ لَمْ يُقِرَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يَجْتَنِبْ مَعَاصِيَهُ وَ لَمْ يَتَّه عَنِ ارْتِكَابِ الْكِبَائِرِ وَ لَمْ يُرَاقِبْ أَحَدًا فِيمَا يَشْتَهِي وَ يَسْتَلِدُّ عَنِ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ إِذَا فَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ وَ ارْتَكَبَ كُلُّ إِنْسَانٍ مَا يَشْتَهِي وَ يَهْوَاهُ مِنْ غَيْرِ مُرَاقَبَةٍ لِأَحَدٍ كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ وَثُوبٌ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَعَصَبُوا الْفُرُوجَ وَ الْأَمْوَالَ وَ أَبَاخُوا الدَّمَاءَ وَ النَّسَاءَ وَ قَتَلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا مِنْ غَيْرِ حَقٍّ وَ لَا جُزْمٍ فَيَكُونُ فِي ذَلِكَ خَرَابٌ الدُّنْيَا وَ هَلَاكُ الْخَلْقِ وَ فَسَادُ الْحَرْثِ وَ النَّسْلِ ...

باب سی و سوم در ذکر علت‌هایی که فضل بن شاذان آنها را ذکر کرده و در آخر آن روایت خواهد شد که فضل این علل را یکی یکی و کرة بعد مرة به مرور دهور از امام رضا (علیه السلام) شنیده و آنها را جمع کرده است و علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری را اذن مطلق داده است که این علل را توسط او از آن جناب روایت کند: از ابی عبد الله محمد بن شاذان مروی است که فضل بن شاذان نیشابوری ... اگر سائل بگوید: چرا خلائق مأمورند به اقرار به خدا و رسول و حجت خدا و به آنچه رسول از نزد خدا آورده است؟ در جواب گفته می‌شود: به خاطر علت‌های بسیار از جمله آن که: کسی که اقرار به خدا نکند از معاصی او اجتناب نخواهد نمود و از ارتکاب کبائر خود را باز نداشته و در اتیان به فساد و ظلم مراعات احدی را نمی‌نماید و وقتی مردم این منکرات را بجا آورند و هر کسی مشتبهات نفسانی خود را تأمین نمود بدون این که مراعات احدی را نماید فساد بین مردم پدید آمده، برخی بر بعضی جهیده در نتیجه فروج غصب شده و اموال به ناحق در تصرف دیگران واقع می‌شود خونها ریخته گردد و نوامیس اسیر شوند، بعضی برخی را به ناحق می‌کشند به ناچار دنیا خراب شده و خلائق هلاک گشته و زراعت و نسل تباه می‌گردد.

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۹

علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۵۲



حجت‌های الهی و بما جاء من عند الله را قبول کند؟ امام می‌فرمایند که: این علت‌های زیادی دارد بعضی از آن علت‌ها این است که اگر کسی اهل مراقبت از خودش نباشد، اهل اجتناب از معاصی نباشد، اهل نهی از ارتکاب کبائر توسط دیگران نباشد؛ اگر کسی این کارها را انجام ندهد و هر چیزی که دل [و هوای نفس] او خواست انجام دهد و از هر چیزی که خواست (ولو آن چیز مستلزم فساد و ظلم باشد) لذت ببرد؛ عبارت روایت این است: «وَ إِذَا فَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ» اگر کسی این کارها را انجام دهد، می‌فرمایند: «كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ» یعنی: فساد عمومی و فراگیر می‌شود!

پس اگر کسی به خدا و به رسول و به حجج الهی و بما انزل الله اقرار کرد و آنها را قبول کرد، جلوی فساد عمومی در دنیا گرفته می‌شود. بعد امام توضیح می‌دهند و فساد عمومی را شرح می‌دهند؛ می‌فرمایند: «وَ وَثُوبٌ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فَفَصَبُوا الْفُرُوجَ وَ الْأَمْوَالَ وَ أَبَاخُوا الدِّمَاءَ وَ السَّبِيَّ وَ قَتَلَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا مِنْ غَيْرِ حَقٍّ وَ لَا جُرْمٍ فَيَكُونُ فِي ذَلِكَ خَرَابُ الدُّنْيَا وَ هَلَاكُ الْخَلْقِ وَ فَسَادُ الْحَرْثِ وَ النَّسْلِ» در مجموع حضرت می‌فرمایند: فساد عمومی یعنی: غصب فروج و بی‌حرمتی به زنان، مباح‌شدن خون افراد و قتل و هلاکت مردم، و فساد حرث و نسل.

پس ببینید در این فقره روایت هم حضرت دارند توضیح می‌دهند که: کل دین خدا (کل ما جاء من عند الله عزوجل)؛ اگر یک مصلحتی به نحو عمومی بر آن حاکم باشد، آن [مصلحت عبارت از] این است که: جلوی فساد عمومی و فراگیری فساد را می‌گیرد. حضرت می‌فرمایند: توجه کنید که فساد عمومی آن موقعی حاصل می‌شود که شما به احکام شریعت و به «بما جاء من عندالله» بی‌توجهی کنید.

بنابراین در این چهار روایتی (که در واقع چهار دسته روایات هستند) برای شما خواندیم، حضرت چهار فایده مهم را به عنوان "مصالح و مفاسد حاکم بر همه احکام و همه شرایع" مطرح می‌کنند؛ فایده اول: «تاریخ نگاری صحیح و آینده نگری صحیح»، فایده دوم: «رفع اختلافات بین مردم و پیشگیری از جرم»، فایده سوم: «جلوگیری از فراگیری جهالت و شبه علم در میان افراد» و فایده چهارم: «جلوگیری از فساد عمومی در جامعه».



بینید؛ ما می‌گوییم این‌ها اصطلاحاً "مفاهیم ثبت‌کننده عام شریعت" هستند. البته اختصاصی به این چهار حوزه ندارد و حوزه‌ها [و فوائد عمومی] دیگری هم [برای احکام] مطرح است؛ [مثلاً] وقتی ما کتاب فضل بن شاذان در حوزه علل را بررسی اجمالی می‌کردیم، دیدیم که جناب فضل بن شاذان، ۹۴ گروه و دسته حکمت را از امام رضا علیه‌السلام نقل کرده‌اند! که بعضی از آنها **مصالح و مفسد** عمومی هستند، و بعضی هم **مصالح و مفسد مربوط به احکام خاصی** (مثل: **مصالح و مفسد مربوط به قرائت در نماز و ابتدا قرائت در نماز با سوره حمد و...**) هستند.

آیات و روایات در این حوزه [مصالح و مفسد عام و خاص در شریعت] بسیار فراوان هستند؛ ولی متأسفانه در فقاهت امروز به آنها بی‌توجهی می‌شود! یا اگر بخواهیم احتیاط بیشتری در کلام به کار ببریم [می‌گوییم] نسبت به آنها کم‌توجهی می‌شود.

بنابراین شاید حالا [با این توضیحاتی که بیان شد] یک مقداری این عرض [و ادعای] ما واضح شده باشد؛ که ایده کلی ما در فقه البیان این است که: **بیان اوامر و نواهی به صورت خاص و بیان شریعت به صورت عام، باید محفوف به بیان مصالح و مفسد باشد.** یعنی: بیان فقیه باید حاوی اصطلاحاً **بخش ثبت و تصویر** باشد تا ان‌شاء الله ابلاغ کامل اتفاق بیفتد و جهت‌دهی به اختیارات رقم بخورد. یک مقداری سعی کردیم این ایده را شرح بدهیم.

البته همان‌طور که اشاره کردیم ما در این جلسه به دنبال طبقه‌بندی مصالح و مفسد نبودیم؛ [بلکه] ما به صورت خطی به این چهار حوزه از **ثبت‌های عمومی شارع** اشاره کردیم. [بحث از] **طبقه‌بندی [مصالح و مفسد]** را برای وقتی می‌گذاریم که قبل از آن، روش طبقه‌بندی را از نظر شریعت در این حوزه بحث کنیم. لذا شما را دعوت می‌کنیم که به **قاعده اصولی «بیان مبتنی بر رفق»** یک توجه ویژه‌ای داشته باشید.

ان‌شاء الله که خدای متعال این مباحث را از همه ما قبول کند. از همه شما به خاطر استماع عرائض برادر کوچکتان تشکر می‌کنم.

و الحمد لله رب العالمین

## بخشی از متن:

... بنابراین در این چهار روایتی (که در واقع چهار دسته روایات هستند) برای شما خواندیم، حضرت چهار فائده مهم را به عنوان "مصالح و مفساد حاکم بر همه احکام و همه شرایع" مطرح می‌کنند؛ فائده اول: «تاریخ نگاری صحیح و آینده نگری صحیح»، فائده دوم: «رفع اختلافات بین مردم و پیشگیری از جرم»، فائده سوم: «جلوگیری از فراگیری جهالت و شبه علم در میان افراد» و فائده چهارم: «جلوگیری از فساد عمومی در جامعه».

ببینید؛ ما می‌گوییم این‌ها اصطلاحاً "مفاهیم ثبت‌کننده عام شریعت" هستند. البته اختصاصی به این چهار حوزه ندارد و حوزه‌ها [و فوائد عمومی] دیگری هم [برای احکام] مطرح است؛ [مثلاً] وقتی ما کتاب فضل بن شاذان در حوزه علل را بررسی اجمالی می‌کردیم، دیدیم که جناب فضل بن شاذان، ۹۴ گروه و دسته حکمت را از امام رضا علیه السلام نقل کرده‌اند! که بعضی از آنها مصالح و مفساد عمومی هستند، و بعضی هم مصالح و مفساد مربوط به احکام خاصی ... هستند. آیات و روایات در این حوزه [مصالح و مفساد عام و خاص در شریعت] بسیار فراوان هستند؛ ولی متأسفانه در فقاہت امروز به آنها بی‌توجهی می‌شود! یا اگر بخواهیم احتیاط بیشتری در کلام به کار ببریم [می‌گوییم]: نسبت به آنها کم‌توجهی می‌شود.

\* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه هدایت [m-hedayat.blog.ir](http://m-hedayat.blog.ir)

کانال «الگو» در پیام‌رسان ایتا @Olgou